

ابعاد حقوق مالی و ولایی والدین از نگاه فقه امامیه

حسین علی شریفی^۱

چکیده

در دین مبین اسلام رعایت حقوق والدین در قرآن کریم و سخنان پیشوایان دین مورد توجه قرار گرفته و در بینه اسلام حیات خانواده مبتنی بر ضوابط ایمان و اخلاق و متکی بر حقوق است که دامنه آن دربرگیرنده ای حقوق والدین است در این بررسی کوتاه سعی شده به توضیح تشریح حقوقی والدین در یک خانواده اسلامی پرداخته شود در منطق اسلامیت و انسانیت حکم بر این است که انسان در برابری کسانی حقی در گردن آدمی دارد احترام نموده و تا سرحد امکان در صدد خوبی و نیکی متقابل برآیند روی این اصل کلی و قانون انسانیت است که همه افراد بشر موظف اند برای ریشه وجود خود یعنی پدر و مادر احترام بی سزای خود را در جبران یک هزارم بلکه یک میلیونم محبت آنها برآید گرچه عواطف انسانی و مسئله حق شناسی به تنهایی برای رعایت احترام در برابر والدین کافی است ولی از آنجایی که اسلام حتی در مسایلی که عقل در درک آن استقلال کامل دارد و عاطفه نیز به وضوح تر می یابد سکوت روا نمی دارد بلکه به عنوان تاکید در این گونه موارد به خصوص در موارد حقوق و احترام والدین دستورات لازم را داده است

هدف در اینجا آشنا ساختن جوانان با شیوه ارتباط و برخورد صحیح با پدر و مادر است تا هرچه بیشتر آنان نسبت به وظایف چون اطاعت از پدر و مادر.... در حق ایشان، حق شناسی سپاس گذاری از زحمات و تلاش والدین می باشد

کلید واژه:

❖ حقوق

❖ والدین

❖ اطاعت

❖ نفقه

^۱ کارشناسی ارشد رشته فقه خانواده دانشگاهی مجازی جامعه المصطفی العالمیه

مقدمه

پدر و مادر در طول زنده گی فرزند زحمات طاقت فرسایی را متحمل می شوند آنها از تمام وجود شان مایه میگذارند تا فرزند عزیز شان در آرامش و راحتی زنده گی نماید مادر رنج دورانی بارداری را تحمل نموده و از شیریه ای جاننش به فرزندش میخوراند و شب های بسیار در کناری فرزند بیدار می ماند و درد فرزند را دردی خودش می خواند. پدر نتیجه ای زحمات خویش را با طیب خاطر در اختیار فرزندانش قرار میدهد و با تمام وجود از آنها حمایت میکند و در مقابل چنین فداکاری ها و جان نثاری های، فکرت سالم متواضع می شود و نمی تواند حقوقی را که پدر و مادر بر فرزندانش دارد انجام ندهد و اسلام که دین فطرت است و دستورات اش بر اساس فطرت انسان صادر گردیده و برای فرزند وظایف را معین میکند تا فرزندان بتواند مقداری از زحمات والدین خود را جبران کند آیات و روایاتی بسیاری که بر وظیفه سنگین فرزند نسبت به والدین تاکید دارد، نشان دهنده اهمیت فراوان این وظیفه می باشد. امام سجاد در رساله حقوق شان از حق پدر و مادر به عظمت یاد کردند و زحمات ایثارگری های آنها را گوش زد کرده و حق آنها را آنقدر عظیم دانسته اند که فرموده: جز با یاری خداوند و توفیق او کسی قادر به شکر زحمات آنها نمی باشد ((حق مادرت بر تو این است که بدانی او زمانی تو را حمل کرده کسی دیگر این کار را نمی کرد و از میوه قلب اش تو را تغذیه کرده در حالی که دیگری چنین کاری را انجام نمی داد و تو را با تمام اعضایش حفظ کرد. او خود گرسنه می ماند به تو غذا میداد، او تشنه بود اما تو را سیر آب میکرد، بی لباس بود اما تو را می پوشاند، خود در آفتاب سوزان بود تو را در سایه آغوشش پناه میداد و خواب را به بخاطر تو رها میکرد و تو را از گرما و سرما حفظ می کرد تا برای او باشی و تو توانایی سپاس گذاری زحمات او را نداری مگر با یاری خداوند اما حق پدرت این است که بدانی که او اصل و ریشه تو است و اگر او نبودی تو نبودی از وظایف مهم فرزند به پدر و مادر ادا کردن حقوق آنها می باشد و این مباحث به حقوق والدین اشاره دارد.

اطاعت یعنی چه؟

اطاعت در لغت از ریشه ((طلوع))، به معنای ((انقیاد)) و متضاد به معنای ((کراه)). یعنی نا فرمانیاست(فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۲: ۲۰۹؛ راغب اصفهانی ۱۴۱۲، ج ۱: ۵۲۹، این منظور ۱۴۱۴، ج ۸: ۲۴۰). طاعت نیز به معنای فرمان برداری است؛ اما بیشتر در جای استعمال می شود که با اختیار همراه باشد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ج ۱: ۵۲۹). ریشه معنای طاعه را عمل به مقتضای حکم و امر همراه با خضوع و رغبت می داند. از نظر ایشان در این ریشه سه قید وجود دارد: رغبت، خضوع و عمل بر طبق دستور. بنا بر این اگر رغبت و تمایل در فرمان برداری وجود نداشته باشد، ((کراه)) صدق می کند، هر چند دو قید دیگر مفقود باشد.

اطاعت در اصطلاح فقهی، معنای مجزا از معنای لغوی ندارد (علی دوست وساجدی، ۱۳۹۰)؛ اما با توجه به مضاف الیه آن، حدود ثغور روشن می شود. بر این اساس اطاعت به دو دسته تکوینی و تشریعی تقسیم بندی می شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۶: ۴۱۰؛ طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۶: ۱۷۰) که مقصود در این جا اطاعت تشریعی می باشد. اطاعت تشریعی از خداوند (ج) پیغمبر اکرم (ص) و امامان معصوم (ع) به حکم آیه (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اطِيعُوا اللَّهَ وَاطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ)) (نسا، ۵۹)، به صورت مطلق واجب است؛

اما اطاعت از غیر، زمانی شرعا لازم می شود که شخص مطاع در صدور امر و نهی از طرف شارع اجازه داشته باشد (علی دوست ساجدی ۱۳۹۰). ابتدا باید ببینیم که ادله، وجوب شرعی چنین اطاعتی بر فرزند استفاده می شود یا خیر؟ یعنی آیا خداوند بر فرزندان واجب کرده است که اوامر والدین را اجابت کنند؟ اگر جواب این سوال مثبت باشد پس باید محدوده اطاعت از والدین روشن شود. (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۳: ۲۱؛ طباطبایی یزدی، ۱۴۰۹، ج ۳: ۱۱۵) آنچه میان فقها مطرح است، مقید بودن اطاعت از والدین می باشد، ولی متأسفانه آثار آیات عظام اطاعت از والدین به صورت مستقل مورد بررسی قرار نگرفته ابعاد آن یا روشن نشده یا به صورت ناقص در میان مباحث دیگر مطرح شده است.

اطاعت از پدر و مادر واجب است؟

اکثر والدین پیشرفت و مصلحت فرزندان شان را خواستار اند و فطرت آن ها چنین ایجاب می کند و بسیار کم اند والدینی که بر ضرر و زیان فرزندان خود شان گام بر دارند روی این اساس با توجه به تجربه های ارزشمند که در سالیان متمادی کسب کردند، اسلام به پیروانش دستور می دهد که از دستورات پدر و مادر شان اطاعت نماید به جز مواردی که پدر و مادر امر به حرام و نهی از واجب نماید لازم نیست که اطاعت نماید اطاعت از والدین باعث می شود که فرزند به راه خیر و صلاح هدایت گردیده و شخص مفید برای جامعه باشد از جهت دیگر با اطاعت نمودن رضایت والدینش را که رضای خدا است به دست آورد این عمل گرمی خاصی به کانون خانواده خواهد بخشید و سبب می گردد که مهر و عطوفت در بین اعضای خانواده حاکم شده و از آن در جهت تکامل و اعتلای خود اسفاده نماید.

وجوب اطاعت از پدر و مادر

عاملی در بحث از حقوق والدین، ده امر را به عنوان حقوق اختصاصی والدین ذکر می کند (عاملی، ۱۴۰۰، ج ۲: ۴۷). به نقل از امام غزالی می فرماید: ((بَعْضُهُمْ يَجِبُ عَلَيْهِ طَاعَتُهُمَا فِي كُلِّ فِعْلٍ وَ أَنْ كَانَ شُبْهَهُ، فَلَوْ أَمَرَاهُ بِالْأَكْلِ مَعَهُمَا مَالٍ يَعْتَقِدُ شُبْهَتَهُ أَكْلَ لَنْ طَاعَتَهُمَا وَاجِبَهُ وَ تَرَكَ الشُّبْهَةَ مُسْتَحَبَّ)) (غزالی، ۱۴۰۴، ج ۲: ۲۳۸) طبق این بیان، اطاعت از پدر و مادر حتی در مورد شبهه ناک واجب است. لذا نقل این دیدگاه در ضمن اختصاصی حقوق پدر و مادر بدون آن که از

جانب ایشان رد شود، دال بر آن است که ایشان نیز به این مسئله معتقد است. از نظر ایشان سفر مباح و مستحبی بدون اجازه والدین حرام است؛ اما در این جا استثنایی را قائل می شود و آن سفری است که برای تجارت یا کسب علم باشد. که این سفر در صورتی که امکان تجارت یا کسب علم در شهر خودش وجود نداشته باشد، بدون اجازه والدین جایز است اگر چه سفر تجاری برای سود بیشتر باشد یا در شهر خودش عالم است، اما نسبت به این طالب علم حاذق نیست (عاملی، ۱۴۰۰، ج ۱: ۳۳۶) مواردی دیگر که ایشان وجوب اطاعت از والدین را استثنا کرده نماز جماعت است. ایشان معتقد است که والدین نمی تواند فرزند را از رفتن به نماز جماعت منع نماید. اما یک استثنا ذکر می کند و آن زمانی است که رفتن به نماز جماعت در هنگام شب یا صبح، به علت تاریکی هوا برای پدر و مادر مشقتی داشته باشد. نکته دیگری ایشان به عنوان حق اختصاصی والدین ذکر می کند، مسئله ایضای والدین است می فرماید: ((فرزند باید کوشش نماید تا اذیتی به والدینش نرسد، هر چند کم باشد؛

اردبیلی معتقد است که می توان از آیات و روایات، وجوب تبعیت از والدین را فهمید: ((وَ يَفْهَمُ وَجُوبُ مُتَابَعِهِ الْوَالِدَيْنِ وَ طَاعَتَهُمَا مِنَ الْآيَاتِ وَالْأَخْبَارِ الْمُتَقَدِّمَةِ وَصَرَّحَ بِهِ بَعْضُ الْعُلَمَاءِ)) (اردبیلی بی تا: ۱۳۸۰) در ادامه می فرماید: ((طَاعَتُهُمَا تَجِبُ وَ لَا يَجُوزُ مُخَالَفَتُهُمَا فِي أَمْرٍ يَكُونُ أَنْفَعُ لَهُ وَ يَضُرُّ بِحَالِهِ دِينًا أَوْ دُنْيَا أَوْ يَخْرُجُ عَنْ زِيَامَتِهِ وَ مَا يَتَعَارَفُ مِنْهُ وَ لَا يَلِيقُ بِحَالِهِ بِحَيْثُ يَذْمُهُ الْعُقَلَاءُ وَيَعْتَرِفُونَ أَنَّ الْحَقَّ أَنْ لَا يَكُونَ كَذَلِكَ وَ لَا حَاجَةَ لَهُ فِي ذَلِكَ وَ لَا ضَرَرَ عَلَيْهِ بِتَرْكِهِ وَ يَحْتَمِلُ الْعُمُومُ لِلْعُمُومِ إِلَّا مَا أَخْرَجَهُ الدَّلِيلُ بِحَيْثُ يَعْلَمُ الْجَوَازُ شَرْعاً لِاجْتِمَاعِ وَ نَحْوِهِ مِثْلَ تَرْكِ الْوَاجِبَاتِ الْعَيْنِيَّةِ وَ الْمُنْدُوبَاتِ غَيْرِ الْمُسْتَثْنَى)) (همان: ۳۸۱) طبق این بیان، مخالفت با پدر و مادر در کاری که نفع آن برای فرزند بیشتر باشد، ضرری دینی یا دینی به او بزند یا مطابقت شأن او نباشد عقلاً او را در انجام چنین کاری مذمت نماید، جایز نیست. مرحوم علامه حلی می فرماید: ((حُكْمُ أَحَدِ الْآبَوَيْنِ حُكْمُهُمَا مَعاً لِأَنَّ طَاعَةَ كُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا قَرَضٌ كَمَا أَنَّ طَاعَتَهُمَا قَرَضٌ)) (حلی، ۱۴۱۲، ج ۱: ۳۹). بنا بر این ایشان نیز قائل به وجوب اطاعت از والدین است؛ اما ظاهراً دامنه وجوب اطاعت را گسترده نمی داند؛ مثلاً در بحث سفر می فرماید: ((اسْتَحَبَّ لَهُ اسْتِثْنَانُهُمَا وَ أَنْ لَا يَخْرُجَ مِنْ دُونِ إِذْنِهِمَا وَلَوْ مَنَعَاهُ لَمْ يَحْرَمْ عَلَيْهِ مُخَالَفَتُهُمَا وَ فَارَقَ الْجِهَادَ لِأَنَّ الْغَالِبَ فِيهِ الْهَلَاكُ وَ هَذَا الْغَالِبُ فِيهِ السَّلَامَةُ)) که در مسافرت می تواند مخالف نظر والدین عمل کند البته ایشان در این قسمت بحث ایضای والدین را مطرح نکرده است. همچنین در زمینه اطاعت از والدین مجنون می فرماید: ((لَوْ كَانَا مَجْنُونَيْنِ لَمْ يَكُنْ لَهُمَا اعْتِبَارٌ وَ لَا إِذْنٌ لَهُمَا لِإِعْدَمِ امْكَانِ اسْتِثْنَانِهِمَا)) از آن جای امکان اجازه گرفتن از مجنون وجود ندارد، اجازه گرفتن در سفر از والدین مجنون لازم نیست. کاشف الغطا نیز هر یک از والدین را مصداق عنوان ((مفترض الطاعة) می داند و صفت وجوب را بر اوامر آن ها حمل می کند (کاشف الغطا، ۱۴۲۲، ج ۱: ۱۵۵) محقق اردبیلی عقوق والدین را حرام و اطاعت آن ها را واجب می داند (اردبیلی، بی تا: ۳۸۰). وی به عنوان برهان عقلی، قاعده وجوب شکر منعم و به عنوان برهان نقلی، برخی از آیات و روایات را شاهد بر این موضوع ذکر می کند ایشان می فرماید: ((وَبِالْجَمْلَةِ الْعَقْلُ وَالنَّقْلُ يَدْلَانِ عَلَى تَحْرِيمِ عَقُوقِ وَيَفْهَمُ وَجُوبَ مُتَابَعَةِ الْوَالِدَيْنِ وَ طَاعَتِهِمَا مِنَ الْآيَاتِ وَالْأَخْبَارِ الْمُتَقَدِّمَةِ وَصَرَّحَ بِهِ بَعْضُ الْعُلَمَاءِ أَيْضاً)) میرزای قمی تصریح می کند که که اطاعت از والدین به غیر از امر به گناه و نهی از واجبات واجب است. و برای آن فی الجمله ادعای اجماع می کند (میرزای قمی، ۱۴۱۳، ج ۱: ۲۴۰). ایشان رضایت والدین را شرط در امور مباح می داند؛ که اگر والدین راضی به انجام کار مباح نباشد نباید آن را انجام دهد. هذا انجام تجارت یا سفر برای کسب علم را نیز موقوف به رضایت والدین می داند، البته ایشان با توجه به قاعده نفی ضرر و سر و حرج، مواردی را که نهی والدین سبب ضرر دینی یا دنیوی فرزند باشد، خارج می کند با استناد به آیه شریفه ((فَلَا تَعْضُلُوهُنَّ أَنْ يَنْكِحْنَ أَزْوَاجَهُنَّ)) اطاعت از والدین در امر به عدم ازدواج دختر یا امر به طلاق همسر در پسر واجب

نمیداند.

محمد مهدی نراقی در این باره می‌گوید: ((وبالجملة اطاعتها واجبه وطلب رضاها حتم فلیم للولد آن یرتکب شیاً من المباحات والمستحبات بدون اذنها))؛ یعنی اطاعت از والدین وکسب رضایت آن‌ها بر فرزند واجب است، ایشان دامنه اطاعت از والدین را در کلیه مستحبات و مباحات جاری می‌داند و تنها مخالفت با والدین در امور واجب را مثل سفری که برای کسب علم واجب همچون اصول عقاید، احکام دین باشد، جایز می‌داند، آن هم در صورتی که مسافرت ضروری باشد؛ مثلاً کسی که در شهرش، فردی که بتواند این علوم واجب را به او بیاموزد وجود نداشته باشد (نراقی، بی‌تا، ج ۲: ۲۷۵). احمد نراقی مسئله اطاعت از والدین را در دو موضوع بحث می‌کند: یکی اطاعت از والدین و دیگری رنجاندن آن‌ها ایشان پس از دسته بندی موضوع بحث و ذکر اقوال علمای سابق، به عنوان جمع بندی می‌فرماید: ((حق آن است که در غیر ترک واجب عینی و فعل حرام، اطاعت والدین یا یکی آن‌ها واجب و مخالفت آن حرام است؛ خواه ترک اطاعت موجب رنجیدن آزرده شدن ایشان باشد یا نه)) (نراقی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۲۳۹). بنا بر این اطاعت از والدین تنها در جای که ایشان امر به انجام حرام یا ترک واجب عینی کنند، لازم بلکه جایز نیست، اما در غیر این موارد مثلاً در واجب کفایی، مستحبات، مکروهات و افعال مباح، اطاعت از والدین واجب است. ایشان با استناد به روایت محمد بن مروان، وجوب اطاعت از والدین را، حتی در مواردی که پدر متضمن ضرر هم شود لازم می‌داند در مورد دلیل نفی ضرر و عسر و حرج می‌گوید: دلایل نسبت به حدیث بن مروان عام مطلق است لذا حدیث فوق که خاص مطلق است بر عام مقدم است. از نظر ایشان این استدلال زمانی جاری است که عدم اطاعت از والدین باعث رنجش و آزرده‌گی والدین نشود والا در صورت آزرده‌گی و رنجش در فرض عدم اطاعت شکی در حرمت آن نیست (نراقی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۲۴۴ و ۲۴۵). وی معتقد است که رنجاندن والدین مطلقاً حرام و از گناهان کبیره است و موجب عقوبت والدین می‌گردد که رنجش آن‌ها به سبب عدم اتیان فرزند نسبت به امر به فعل حرام یا ترک واجب از طرف والدین باشد، حرمت ندارد در این فرض نیز ایشان توصیه می‌کند که فرزند کوشش کند با ملاطفت و ایجاد حالت خشوع در خود در برابر ایشان، سعی در عدم رنجش آن‌ها نماید. (همان: ۲۴۴). در میان فقهای معاصر، سید محمد صادق روحانی قائل به وجوب اطاعت از والدین می‌باشد در پاسخ به استفتایی (کد: ۱۸۳۲۲ - ۲۱۲۵). که از ایشان شده می‌فرماید: ((اطاعت پدر و مادر بر فرزند واجب است؛ خصوص اگر اطاعت نکردن سبب اذیت آن‌ها شود، در صورتی که اطاعت آن‌ها موجب مشقت شود و حرجی باشد یا موجب ضرر شود به ضرر معتنی به وجوب اطاعت ساقط می‌شود)). نجفی نویسنده کتاب جواهر الکلام در صورتی که ایذا صورت نگیرد قائل به عدم وجوب اطاعت از والدین است (نجفی، ۱۴۰۴، ج: ۱۱۹). آقا ضیاء عراقی در حاشیه بر عروة الوثقی زده اند، و در ضمن عبارت طباطبایی یزدی می‌گوید ((بل لا یعبد وجوب هر بار احد الوالدین))؛ بعید نیست نماز جماعت با امر پدر و مادر واجب شود، می‌فرماید: ((علی وجه وجوب تاذیهما عن مخالفته کی یدخل فی فحوی عموم فلا تقل لقمان اف والا فلا دلیل علی وجوب عنوان اطاعتها)) (عراقی، ۱۴۱۹، ج ۳: ۱۱۵). بنابراین بیان ایشان اطاعت از پدر و مادر را واجب نمی‌داند؛ بلکه تنها عقوبت والدین و اذیت پدر و مادر را حرام می‌داند حائر نیز در حاشیه بر کتاب عروة الوثقی، همین نظر را دارد و می‌فرماید: ((اذا استلزم مخالفته العقوق)) (طباطبایی یزدی، ج ۳: ۱۵۵). امام خمینی (ره) نیز در این مورد می‌فرماید: ((وجوب طاعة الوالدین فی مثله محل تأمل و آن کان احوط)) (همان جا) بنا بر این ایشان نیز در وجوب اطاعت والدین صرفاً احتیاط مستحب قائل هستند نه وجوب، تبریزی ۱۴۲۷، ج ۶: ۳۷۹. ایشان در جواب سوال ((ما هی حدود الاحسان الی الوالدین؟ ومتی یکون الولد عاقاً؟)) فرمودند: ((حد طاعة الوالدین فی قضا حاجاتهم المباحه والله العالم)). لذا اطاعت از پدر

ومادر در تحصیل علم، ازدواج، قطع رحم و امور عادی زندگی که ضرری متوجه فرزند نمی شود، واجب نیست. اما این است که نباید موجبات اذیت و غضب آن‌ها را فراهم کرد در جواب شخصی که سؤال کرده: ((آیا اطاعت از والدین در امور حیاتی خاص، مثل این که زید را رها کن، در این مجلس ننشین، به این مکان نرو یا به آن شهر مسافرت نکن، با وجود این که می دانسته در این اعمال ضرری به فرزند نمی رسد و مخالفتی هم با شرع ندارد، واجب است؟)) فرمودند: ((لا تجب اطاعة الوالدین فی کل شی ولیکن علی آن لا یطلعهما علی ما یؤذیهما و یغضبهما والله العالم)). همچنین ایشان در تعیین تکلیف برای فردی که پدری تند خو داشت که او را به شدت کتک می زد، فرموده است: ((اذا لم یمكن تغییر وضع والده ولو بتوسط بعض الاشخاص الذین یوثرن علی سلوک الوالد مع الولد فلا یاس بترك المنزل)): اگر به هیچ عنوانی نمی توان رفتار پدر این شخص را تغییر داد، این فرد می تواند منزل را ترک نماید. ایشان حتی حرمت اذیت شدند والدین را ام مطلق نمی داند؛ که گفته اگر والدین فرزند را از شرکت در مساجد برای یاد گیری احکام دینی در ضمن انجام اعمال دینی در آن مکان، منع نماید فرزند هم اطاعت ننماید و موجب اذیت والدین گردد، اطاعت را واجب نمی داند. از نظر ایشان فقط در صورتی که از حضور در مسجد، قصد تعلیم احکام دین نداشته باشد، احتیاط در رعایت حال والدین است (تبریزی، ۱۴۲۷، ج ۶: ۳۸۹) حسینی شاهرودی نیز پس از رد دلایل احتمالی وجوب اطاعت از والدین می گوید: ((فظهر انه لا یمکن اثبات وجوب اطاعت مطلقاً للولد بالنسبة آلی الوالد)) (حسینی شاهرودی، ۱۴۰۲، ج: ۳۵۴). لذا ایشان نیز قائل به عدم وجوب اطاعت از پدر و به تبع آن مادر هستند.

اطاعت از پدر و مادر از نظر قرآن کریم

در قرآن در مورد رابطه فرزند با والدین، چهار دسته آیه وجود دارد: الف- آیات که افراد را امر به نیکی به والدین می کند مانند آیات (بقره/۸۳)، (نساء/۳۶)، (انعام/۱۵۱)، (اسراء/۲۳)، (احقاف/۱۵). ب- آیه که شکر گزاری از آن دو را واجب دانسته است: (لقمان/۱۴). ج- آیه ای که از توهین نمودن به پدر و مادر حتی در حد ((أف)) گفتن نهی می کند: (اسراء/۲۳) د- آیات که از اطاعت از والدین نهی می کند (عنکبوت/۸، لقمان/۱۵) بنا بر این در سه دسته اول، آیه که اطاعت از والدین را واجب بداند، وجود ندارد. البته برخی وجوب اطاعت را از آیاتی که تصریح به نیکوکاری در حق پدر و مادر دارد، احسان و نیکوکاری به والدین توسط معاشرت و برخورد نیک، رعایت حال آنها، امتثال و انجام دستورات آنها و فروتنی در برابر آنها محقق می شود اولاً بی سند و دلیل است: ثانیاً چه بسا در موارد مثل اطاعت از پدر و مادر در ترک واجبات و انجام محرمات بر عرف مسلمانان مخالف با احسان تلقی شود. بنابراین تشخیص اینکه چه امر مصداق احسان است و چه امر مخالف آن، بدون کمک شرع و دلیل آن ممکن است. ولی برخی از مفسران گفته است مقصود از احسان اموری است که به آنها مرتبط می شود: مانند انجام کار خوب در حق آنها آرام سخن گفتن به آنها فروتنی نسبت به آنها) طبرسی، ۱۳۷۲، ج: ۱: ۳۹۸. حتی اگر پذیرفته شود اطاعت از آنها مصداق احسان است به طبع تحقق عنوان احسان واجب خواهد بود نه از آن جهتیکه عنوان اطاعت دارد. به عبارت دیگر آنچه در دین موضوعیت دارد احسان است به اطاعت لذا اطاعت عنوان مستقل و دارای حکم واجب نیست برای تشخیص آن که مصداق احسام محسوب می شود یاخیر نیاز به بیان شارع دارد. آیات دسته چهارم نیز مبین نهی از اطاعت والدین در شرک به خداوند ربط به ج. ب. اطاعت از والدین ندارد مستلزم این هم نیست که در غیر موارد فرمان به شرک اطاعت از آنها واجب است! به عبارت علمی از این آیات نمی توان از راه مفهوم شرط اطاعت از والدین را در غیر شرک واجب دانست زیرا در هردو آیه شرک برای بیان موضوع یعنی «تلاش بر شرک ورزیدن» آمده و به رفتن این موضوع از باب سالبه به انتفاع موضوع حکم وجوب اطاعت باقی نمی ماند. از باب مفهوم وصف نیز قابل استفاده نیست اولاً مفهوم وصف باقد حجیت است (

آخوندخراسانی، ۱۴۰۹: ۲۰۶؛ موسوی خویی، ۱۳۵۲: ج ۱: ۴۳۳؛ مظفر، ۱۳۷۵، ج ۱: ۱۲۱) ثانیاً اینجا از باب مفهوم لقب است؛ زیرا مفهوم وصف در جایی است که با رفتن وصف موضوع باقی بماند در حالیکه در اینجا با رفتن تلاش در شرک موضوع نیز منتفی می‌شود و مفهوم لقب از ضعیف ترین مفاهیم است کسی قائل به حجیت آن نیست (همان: ۱۲۰ و ۱۳۰).

اطاعت والدین از نظر روایات

پس روایات معلوم می‌شود که محدثان بابت بنام « اطاعة الوالدین » یا « وجوب اطاعة الوالدین » ندارد هر آنچه است بنام « بر الوالدین » است (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۱: ۲۲؛ کلینی، ۱۴۴۹، ج ۳: ۴۰۳) اما نکته قابل توجه این است که وقتی درباره معنی نیکی و احسان به والدین: به روایات مراجعه شود میبایم که معصوم اشاره به اینکه اطاعت از مصادق نیکی است نکرده است؛ هرچند با توجه به در مقام بیان بودن، در صورت صحن چنین برداشت معصوم باید آنرا ذکر می‌کرد. با ایتن حال در میان روایات باب « بر الوالدین » دو روایت یافت شده است یکی از آن دو ظهور در وجوب اطاعت دارد و دیگر ظهور در احسان و نیکی در به والدین: « مردی خدمت پیامبر آمد و گفت: ای رسول خدا به منت سفارش بفرما رسول خدا فرمود: چیزی را شریک خدا قرار مده، اگر سوزانیده شوی مگر اینکه دلت به ایمان آرام باشد و از پدر و ماد راطاعت کن و به آنان نیکی نما زنده باشد یا مرده اگر این دو به تو امر کردند که از خانواده و مالت بیرون آیی چنین کن چرا که این از ایمان است ». (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۳: ۴۰۵). این روایت از لحاظ سند ضعیف است چون نام « خالد بن نافع بجلی » جزء در دو کتاب رجالی (طوسی، ۱۴۲۷: ۱۰۲؛ براقی، ۱۳۸۳: ۳۱)، در هیچ مأخذ رجالی دیگر نیامده قابل وثوق نیست نیز به دلیل اشتراک میان دوازده نفر مجهول می‌باشد. ونوعی سند نیز معلق است از لحاظ متن نیز قابل قبول نیست چون روایت به دو بخش تقسیم می‌شود در بخش نخست نهی از شرک به خداوند وجوب اطاعت از والدین و نیکی به آنها آمده است در بخش دوم نیز وجوب اطاعت از والدین و امر شان به طلاق یه رها کردند مال مورد تأکید قرار گرفته و از لوازم ایمان دانسته شده است. آنجائیکه هیچ فقهی نسبت به ذیل روایت نمی‌توان ملتزم شود (غروی نائینی، ۱۴۲۲، ج ۲: ۳۵۸) قاعدتاً امکان التزام به اول هم نخواهد بود زیرا تفکیک در پذیرش قسمت از یک روایت و عدم پذیرش قسمت دیگر منطقاً و عقلاً صحیح نیست بهتر است که گفته شود چون روایت قابل تفکیک ندارد نمی‌توان به آن عمل کرد.

از امام صادق درباره فرمایش خداوند به والدین نیکی کنید پرسیدند که مقصود از احسان چیست؟ فرمود احسان این است که به آنان نیک رفتار کنی و آنانرا به زحمت نیندازی که در مورد نیاز خود از تو درخواست نماید هرچند ثروتمند باشد ایا خداوند نمی‌فرماید هرگز به حقیقت نیکو کاری نمی‌رسید مگر اینکه از آنچه که دوست دارید در راه خدا انفاق نمائید راوی می‌گوید: سپس امام صادق فرمود اما فرمایش خداوند: هرگاه یکی از آن دو یا هردوی آن نزد تو به سن پیری رسد کمترین اهانت را به آنها روا مدار و به آنها فریاد نزن مقصود این است که اگر آن دو ترا آزار دادند به آنها آف نگو حتی اگر ترا زدن آنانرا از خود مران. مقصود از آیه . گفتار لطیف و بزرگووارانه به آنها بگو آنست که اگر ترا زدند به آنها بگو خدا شما را ببخشد که این همان سخن لطیف و بزرگووارانه است مقصود از آیه و بالهای خود را تواضع خویش را از محبت و لطف در برابر آنان فرود آر اینست که هیچ گاه جزء با نگاهی رحمت ورأفت به آنان نگاه نکن صدایت را روی صدای آنان بلند نکن و دستت را بالاتر از دست آنان قرار نده و خود را از آنها جلو نینداز ». (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۳: ۴۰۳). هرچند این روایت از جهت سند صحیح است ولی هیچ دلالت بر وجوب اطاعت از والدین ندارد چنانکه واضح است امام د رمقام بیان مصادق احسان اطاعت را از مصادق آن به حساب نیآورده است.

وجوب اطاعت والدین از نظر فقها

بحث اطاعت از والدین جزء در مورد اندک مورد بررسی فقهای عظام قرار نگرفته است به شکل فرعی به طبع دیگر مباحث به آن پرداخته بیشتر فقها اطاعت والدین را در صورتیکه با واجبات و محرمات الهی مخالف نباشد واجب دانسته اند مثل شهید اول و شهید ثانی و عده دیگر از فقها معتقد اند که به خاطر فقدان دلیل به هیچ صورت نمی توان حکم به وجوب اطاعت از والدین نمود و عده دیگر عدم وجوب را مطلق ندانسته می گویند اگر اطاعت سبب آزار والدین گردد مشمول حکم وجوب خواهد شد آنگونه که از گفتار ایشان بدست می آید اگر ترک اطاعت از والدین منجر به عقوق و یا ایذا آنها شود حرام است و الا حرمت ندارد بنابراین آنچه که در شرع وجود دارد عناوین حرمت عقوق و حرمت ایذا والدین است وجوب اطاعت والدین از عنوان مستقل در شرع ندارد.

نفقه والدین

تأمین هزینه اقارب نسبی از واجبات دینی و مسلمات فقه اسلامی است کمک به دیگر اقارب نیازمند، هم از مستحبات شرعی شمرده می شود، اما بسیاری از فرزندان از وظایف خود در قبال والدین تنگ دست که از بارز ترین مصداق اقارب نسبی بشمار می رود، ترک انفاق ایشان اطلاع کافی ندارد و در برابر این وظیفه بزرگ الهی، تنها براساس عرف و عادت با تمایلاتی درونی که دارد رفتار می نماید. اما حقوق اسلامی که مبتنی بر کرامت انسانی و عدالت اجتماعی است، مسلمانان را ملزم به پرداخت نفقه اقربای مستمند نموده است و به صله رحم نیز سفارش نموده است. آیت الله جوادی آملی با استناد، به آیه پانزده سوره لقمان می نویسد: برخی از احکام اسلام به مثابه قوانین بین المللی است، از جمله رعایت حقوق پدر و مادر، پس اگر پدر و مادر ملحد نیز باشد احترام آنها و رفع نیاز های شان بر فرزندان واجب است، و صله رحم تنها این نیست که انسان به خانه بستگان خود برود و یادی از آن ها نماید بلکه مصداق کامل آن است که قبل از دیگران نیاز آن ها را بر آورده نماید (جوادی آملی)، لذا صله رحم و دستگیری از خویشاوندان مستمندان واجبات شرعی و وظایف انسانی دانسته، در این میان والدین که از جایگاه رفیع و اهمیت خاص بر خوردارند. باید فرزندان نفقه آنان را در صورت نیاز بپردازد.

نفقه در لغت به معنی هزینه زندگی، خرج، خرجی، هزینه عیال و اولاد، روزی مایحتاج آمده است (سیاح) در تعریف حقوقی نفقه عبارت است از چیزی که برای گذراندن زندگی مورد نیاز است، که به دو بخش می توان در نظر گرفت نفقه زوجه و نفقه اقارب، که از میان اقارب پدر و مادر مقدم است و تقدم پدر و مادر علی دارد. انفاق به پدر و مادر هم انفاق است، هم صله رحم و هم نیکی به ایشان. پیامبر گرامی اسلام (ص) در باره پاداش انفاق و انجام عمل خیر برای پدر و مادر فرموده: ((کسی که به نیت پدر و مادرش حج انجام دهد یا بدهکاری آن ها را بپردازد، خداوند در قیامت او را با نیکان بر می انگیزد)). (متقی هندی).

انفاق در قرآن

انفاق اموال از مهم ترین اموری است که خداوند متعال، پس از اقامه نماز از انسان خواسته است و می فرماید: ((یسئلونک ما ذا ینفقون قل ما انفقتم من خیر فلولوالدین والاقربین؛ از تو می پرسند که چه انفاق کنند. بگو هر مالی که می بخشید، پس بهتر است به والدین و نزدیکان ببخشید)) پدر مادر را در صدر کسانی قرار داده که باید به آنها کمک شود. این آیه نسبت به انفاق واجب و مستحب است ولی در صورت نیاز انفاق واجب می شود و خیر فقد شامل امور مادی نیست، بلکه امور معنوی را نیز شامل می شود هر چند نمود آن در مورد انفاق اموال است تقدم انفاق به پدر و مادر بر سایر گروه ها علی دارد که می توان آنها را چنین بر شمرد:

✓ در بیشتر موارد فرزندان به تشکیل خانواده پدر و مادر را از یاد می برند؛ خداوند به آنها یادآوری میکند که آنان را فراموش نکنند.

✓ حق پدر و مادر از حقوق دیگران بالاتر است؛ زیرا خداوند احسان به پدر و مادر را در کنار توحید قرار داده است (جوادی آملی، ۱۳۸۵، ج ۱۰: ۵۱۷). رسول اکرم درباره پاداش انفاق و انجام عمل خیر برای پدر و مادر فرموده ((من حج عن والدیه اوقضی عنهما مغرماً بعثه الله یوم القیامه مع الا برار؛ کسی که به نیت پدر و مادرش حج انجام دهد یا بدهکاری آنها بپردازد خداوند او را در روز قیامت با نیکان برمی انگیزد)) (متقی هندی، ۱۴۰۹، ج ۱۶: ۴۶۸)

در آیه ۲۱۵ سوره بقره می فرماید ((قل ما انفقتم من خیر فللوالدین والاقربین والیتامی والمساکین ابن السبیل...)) بگوهر چه که از خیر انفاق میکنید به پدر و مادر و خویشان نزدیک و یتیمان و فقیران و درمانده گان انفاق کنید. که در این آیه شریفه هم خداوند پدر و مادر را مقدم بر سایر اقارب نموده است.

پرداخت نفقه والدین به عنوان تکلیف اولاد در حقوق اسلامی از بعد اجتماعی نیز قابل تامل است امام سجاد در خصوص حقوق والدین می فرماید: حق مادر این است که بدانی وقت تو را حمل کرد هیچ کس دیگری را حمل نمی کند میوه ای را از دل خود به تو داد که احدی به دیگری نمی دهد، با همه اعضا در حفظ تو کوشید، باکی نداشت که تو را غذا بدهد و خود گرسنه بماند، تو را آب دهد و خود تشنه بماند، تو را بپوشاند و خود برهنه بسر برد، سایه به سرافگند و خویش در حرارت آفتاب بسوزد، از آب چشم بپوشد تا از سرما و گرما تو را نگهدارد و تنها بهره اش از همه رنج این باشد که فرزند داشته باشد، تو قدرت شکر و سپاس او را نداری جزء این که خدا توفیق دهد و کمک کند، و حق پدر این است که بدانی منشا وجود تو است اگر نبود توهم نبود، خدا را شکر کن و به قدر این نعمت شکر گذار باش (حیدری، نراقی، ۱۳۸۴: ۱۲۷). حضرت علم و آگاهی اولاد به زحمات والدین را حق ایشان می شمارد در این کلام نکته ظریفی نهفته است و آن این که اگر فرزندان به معنی واقعی کلمه زحمات و فداکاری های والدین را درک نماید به هیچ وجه در خصوص حقوق ایشان مسامحه نمیکند.

نفقه اقارب از نظر فقه های امامیه و قانون مدنی

مستحق نفقه کسی است که مالی برای گذاران زنده گی و رفع احتیاجات نداشته باشد و نتواند به وسیله اشتغال و سایل معیشت خود را فراهم سازد؛ لذا فقر و عجز از تکسب تنها شریطی است که در فقه امامیه و قانون مدنی در مورد مستحق نفقه مقرر شده است از نظر فقه امامیه واجب النفقه کسی است که هزینه یک سال خود را و خانواده اش را نداشته باشد، و برخی گفتند هر کسی هزینه یک شبانه روزی خود و خانواده اش را نداشته باشد واجب النفقه محسوب می شود این افراد حسب مقررات مواد ۱۱۰۶، ۱۱۹۵ و ۱۲۰۹ قانون مدنی عبارتند از: زوج، پدر، مادر، اولاد، نوه ها و اجداد. طبق ماده ۱۱۹۶ ق، م اقارب و خویشاوندان نسبی در خط عمودی اعم از صعودی و نزولی ملزم به انفاق به یک دیگر اند و الزام به انفاق در خویشاوندان سببی یا رضاعی و خویشاوندان نسبی در خط افقی وجود ندارد؛ لذا خواهر و برادر، دایی و خاله، عمو و عمه واجب النفقه نیست؛ اما پدر و مادر هر چه بالاتر رود فرزند و اولاد ایشان واجب النفقه محسوب می شود (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۱، شماره ۵۷۷۲: ۱۷۱۸). و به تصریح ماده ۱۲۰۰ ق، م نفقه ابوین با رعایت الاقرب فالاقرب به عهده اولاد اولاد است.

فقه های امامیه برای نفقه ضمانت اجرایی حقوق و کیفری در نظر گرفته اند؛ از جمله محقق حلی در شرایع الاسلام به بیانی ضمانت اجرایی حقوقی نفقه می پردازد: هرگاه کسی که نفقه اقارب بر او واجب است از نفقه دادن سرباز زند و دفع الوقت کند مجبور کند حاکم او را پس اگر امتناع کند حبس کند او را حاکم اگر مالی برای او باشد که ظاهر باشد جایز است که حاکم بردارد از مالش به قدری که صرف کند در نفقه (حلی، ۱۳۶۲، ج ۲: ۷۴۴). شهید اول نیز در رابطه با ترک انفاق، قایل به اجبار حاکم قصاص از اموال وی توسط حاکم می باشد (مکی العاملی، بی تا، ج ۲: ۷۶). لذا در صورت امتناع فرد ملزم به انفاق از پرداخت نفقه هر واجب النفقه ای می تواند به دادگاه مراجعه نموده درخواست کند که ممتنع از انفاق را اجبار به پرداخت نفقه کند. صاحب جواهر به هردو ضمانت اجرای جزایی و حقوقی اشاره نموده نه تنها در صورت امتناع منفق از پرداخت نفقه، حاکم را مجاز به اجبار وی به پرداخت می داند، بلکه در صورت عدم امکان اجبار، به حبس نظر داده است (نجفی، ۱۳۷۶، ج ۱۱: ۲۴۹). در قوانین موضوعه که مبتنی بر فقه امامیه است، ضمانت اجرایی کیفری نفقه، مجازات است که در قانون مجازات اسلامی برای ترک انفاق مقرر شده است. تا قبل از تصویب قانون جزای عمومی در سال ۱۳۱۲ به علت عدم وجودی ماده قانونی در زمینه ترک انفاق چنین جرم موضوعیت نداشت پس از تصویب این قانون ماده ۱۴ و بعد از آن ماده ۲۲ قانون حمایت از خانواده مصوب ۱۳۵۳، اصل قانون بودن این جرم را تامین می کرد. ماده ۱۰۵ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۶۲، بجای حبس، برای ترک انفاق مجازات شلاق در ۷۴ ضربه مقرر داشت؛ لیکن این ماده به موجب ماده ۶۴۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ نسخ گردید و برای ترک انفاق مجازات حبس از سه ماه و یک روز تا پنج ماه مقرر گردید. به تصریح بخش آخری ماده ۱۲۰۶ ق.م.ا.ق.ب از جمله والدین فقط در خصوص آتیه می تواند مطالبه نفقه نماید اما برای نفقه زمان گذشته خود نمی تواند اقامه دعوی نماید لذا اگر نفقه در وقت خود پرداخت نگردد چیزی به ذمه منفق نمی آید.

حقوق پدر از نظر فقهی

پدر از نظر فقهی نیز حقوق دارد از حقوق ویژه پدر بر فرزندی غیر بالغ، سفیه، دیوانه است به شرط که سفاهت و دیوانگی بعد از بلوغ عارض نشده باشد. مادر چنین ولایت را ندارد پدر وجدی پدری هر چه بالا رود می تواند در اموال فرزند صغیر، سفیه، دیوانه تصرف کند البته تصرفی که به مصلحت فرزند باشد یا حداقل ضرری بر او نداشته باشد. و هم چنین ولایت دارد بر او در امر ازدواج می تواند برای پسر صغیر دختری را عقد کند یا در صغیر خود را برای مردی عقد کند این ولایت نیز مشروط است به رعایت مصلحت او و عدم مفسده حتماً و از حقوقی ویژه پدر در امر ازدواج دختر باکره است هر چند بالغ، عاقل باشد سفیه نباشد البته این ولایت از نظر فقها مورد اختلاف است بعضی از فقها بطوری کلی ولایت را قایل اند یعنی پدر می تواند دختر بالغ و عاقل خود را بدون اجازه او به عقد کسی در آورد و دختر حق اعتراض ندارد و بر این امر روایات دلالت کرده است و روایات نیز بر خلاف آن دلالت دارد. مرحوم سید در عروه احتیاط می کنند که اگر چنین عقدی صورت گیرد یا دختر رضایت بدهد یا شوهر طلاق دهد و هم چنین عقدی با موافقت دختر بدون رضایت پدر یا جدی پدری بود هم حضرت امام در این مسئله حاشیه ای ندارد معنی این احتیاط این است که ممکن است عقد صحیح باشد ولی چون مسئله مهم است و احتمال فساد عقد بدون رضایت دختر وجود دارد نباید به این عقد ترتیب اثر داده شود و لذا لازم است بنابر احتیاط طلاق دهد. و بعضی از فقها تفصیل داده اند و حضرت امام گر چند در تحریر الوسیله و توضیح المسایل کسب رضایت پدر احتیاطاً لازم دانسته اند ولی استفتاهای که بعداً از محضر ایشان شده است به این امر فتوا داده اند در دو مورد این حق از پدر سلب می شود:

۱. در صورتیکه پدر غایب باشد به گونه ای که اجازه گرفتن از او ممکن نباشد با فرض نیاز دختر به تعجیل در ازدواج.

۲. در صورتیکه پدر بدون دلیل موجهی دختر را از ازدواج با مردی که شرعا و عرفا کفو او است منع کند با فرض تمایل دختر و در استفتائات اخیر به این امر قید دیگری اضافه شده و آن نیازی دختر است به ازدواج با فرض اینکه بترسد اگر از این ازدواج صرف نظر کند شوهر خوبی برای او پیدا نشود.

ضمنا حق مذکور همان قسم که برای پدر است برای جدی پدر نیز می باشد ولی رضایت مادر، برادر و جدی مادری و امثال آن دخالت ندارد.

از ویژه گی های حقوق پدر این است که روزه مستحبی فرزند بدون اذن او مکروه است یعنی ثواب اش کم می شود بلکه احتیاط در ترک است. و اگر موجب اذیت او باشد به لحاظ شفقت و دلسوزی، روزه باطل و حرام است که البته این حکم در مورد ایذا مادر نیز صدق می کند اگر روزه مستحبی فرزند باعث ایذا مادر باشد که از روی دلسوزی منع کند روزه باطل است و رعایت نهی غیر شفقتی مادر نیز خوب است ولی اجازه او شرط نیست یعنی اگر او اطلاع نداشته باشد اشکالی ندارد اما اذن پدر به احتیاط مستحب خوب است رعایت شود یعنی بهتر است بدون اطلاع او روزه مستحبی نگیرد مگر اینکه بداند او راضی است،

از ویژه گی های پدر است که قسم فرزند با من او صحیح نیست یعنی اگر فرزند قسم بخورد کاری انجام دهد یا ترک کند اگر پدرش از قسم خوردن منع کند، قسمش منع نمی شود و اگر مخالفت آن کند کفاره ای ندارد بلکه اگر قسم بخورد پدر مطلع شود می تواند قسم او را فسخ نماید. و اثر آن از بین می رود و این امر اختصاص ندارد فرزندى که تحت سرپرستی پدر است حتی اگر مستقل باشد. و از این بالاتر اینکه اگر فرزند بدون اطلاع پدر قسم بخورد باز هم به فتوای حضرت امام قسمش منع نیست باید رضایت او را تحصیل نماید و اگر مطلع باشد ساکت نماید نه رضایت دهد و نه او را منع نماید باز هم قسم او صحیح نیست و اثری بر او مترتب نیست گرچه در این دو صورت احتیاط مستحب این است که مخالفت قسم نکند و اگر کرد کفاره بدهد و مسئله اختلافی است ولی فتوای حضرت امام در تحریر الوسیله همان است که ذکر شد.

نتیجه گیری

از آنچه که گفته شد بدست می آید یکی از بحث های مهم و ارزشمندی که همواره در جوامع انسانی مطرح بوده و هست، بحث حقوق است که با زندگی انسان سرچشمه گرفته است موضوع حقوق در مکتب انبیا الهی به ویژه در مکتب نورانی اسلام مورد توجه خاص قرار گرفته و آن سخن به میان آمده از نظر اسلام انسان در مقابل تمام نعمت های الهی پیرامون خود موظف و مسؤول است او باید در عین استفاده و بهره مندی از این نعمت شکر گزار لطف الهی باشد و حقوق آنها را ادا کند که از جمله این نعمت ها نعمت داشتن والدین است؛ والدین که با زحمت های زیادی را متقبل می شود و برای رشد و پرورش فرزندش زحمت می کشد خداوند در قرآن کریم نسبت به مسئله نیکی به پدر و مادر اهمیت خاص قایل شده به گونه که چندین بار بلافاصله پس از مسئله مهم توحید، عبادت الهی و عدم شرک به او به نیکی به والدین سفارش کرده است و پیشوایان اسلام توصیه ها و سفارش های زیاد در این زمینه دارند. اسلام آن چنان به این مسئله اهمیت داده است که حتی می گوید کسی که در باره پدر و مادر خود بدی کند به اصطلاح عاق والدین باشد نماز و روزه و عبادت او مورد قبول خداوند نخواهد بود از همین جا به اهمیت موضوع پی می بریم و نیز اهمیت خاصی که اسلام به پدر و مادر است این از این جا معلوم می شود که توصیه شده فرزندان پدر و مادر خود را زیارت کند چه در حالی حیات و چه پس از مرگ آن ها اگر والدین زنده اند. فرزند به عللی از آنها دور است باید به قدر وسع هر روز به زیارت آن ها برود.

منابع و مأخذ:

الف: منابع عربی:

۱: قرآن کریم

- ۲: فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ هـ ق) / العین. ج ۲، قم: انتشارات هجرت
- ۳: راغب اصفهانی، حسین (۱۴۱۲ هـ ق) / مفردات الفاظ القرآن، ج ۱، چ ۱، بیروت: دارالعلم — الدار الشامیه.
- ۴: طباطبائی، محمد حسین (۱۳۹۰ هـ ش) / المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات.
- ۵: ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ هـ ق) / لسان العرب، چ ۳، بیروت: دارالفکر للطابعه والنشر والتوزیع
- ۶: طباطبائی یزدی، سید محمد کاظم (۱۴۰۹ هـ ق) / العروه الوثقی، چ ۲، بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات
- ۷: آخوند خراسانی، محمد کاظم (۱۴۰۹ هـ ق) / کفایه الاصول، قم: انتشارات موسسه آل البيت
- ۸: حسینی شاهرودی، سید محمود بن علی (۱۴۰۲ هـ ق) / هدایه الامه الی احکام الایمه، مشهد: مجمع البحوث الاسلامیه.
- ۹: تبریزی، جواد بن علی (۱۴۲۷ هـ ق) / صراط النجاه، قم: دار الصدیقه الشهیده.
- ۱۰: ساجدی، مهدی و علی دوست، ابوقاسم (۱۳۹۰ هـ ش) / بررسی فقهی اطاعت زوجه از زوج. حقوق اسلامی، ص ۷
- ۱۱: عاملی، محمد بن مکی (۱۴۰۰ هـ ق) / القواعد والفوائد، قم: کتاب فروشی مفید.
- ۱۲: قمی، میرزا بن محمد حسن، القوانین المحکمه فی الاصول، قم: احیا الکتب الاسلامیه.
- ۱۳: غزالی، محمد بن محمد (۱۴۰۴ هـ ق) / احیا العلوم الدین، بیروت: دارالکتب العلمیه
- ۱۴: نجفی، محمد حسن (۱۴۰۴ هـ ق) / جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، چ ۷، بیروت: انتشارات دار احیا التراث العربی
- ۱۵: حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۲ هـ ق) / منتهی المطلب فی تحقیق المذهب، ج ۴، چ ۱، مشهد: انتشارات مجمع البحوث الاسلامیه.
- ۱۶: اردبیلی، احمد بن محمد، (۹۹۸ هـ ق)، زبده البیان فی احکام القرآن، چ ۱، تهران: المکتبه المرتضویه
- ۱۷: کاشفی الغطا، جعفر بن خضر مالکی، (۱۴۲۲ هـ ق) / کشف الغطا عن مبهمات الشریعه الغراء، قم: دفتری تبلیغات اسلامی.
- ۱۸: نراقی، محمد مهدی بن ابی ذر، (۱۳۱۲ هـ ش) / جامع السعادات، ج ۳، بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات
- ۱۹: محقق حلی، ابوالقاسم نجم الدین جعفر بن حسن، (۱۴۱۰ هـ ق) / المختصر النافع فقه الامامیه، چ ۳، تهران: موسسه المطبوعات المدینه.
- ۲۰: مکی عاملی، محمد بن جمال الدین، (۱۴۲۴ هـ ق) / للمعه / الدمشقیه، بیروت: دارالعلم اسلامی
- ۲۱: حلی، ابوالقاسم، (۶۷۰ هـ ق) / شرایع الاسلام، تهران: موسسه و دانشگاه تهران.
- ۲۲: غروی نایینی، محمد حسین، (۱۴۱۱ هـ ق)، کتاب الصلاه، چ ۱، قم: دفتر انتشارات اسلامی
- ۲۳: کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ هـ ق)، اصول کافی، ج ۱۵، قم: دارالحديث.
- ۲۴: طبرسی، امین الدین ابوعلی فصل بن حسن، (۵۳۶ هـ ق)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصر خسرو.

- ۲۵: برقی، احمد بن محمد بن خالد، (۱۴۳۳ هـ ق)، طبقات الرجال، تهران: دانشگاه تهران.
- ۲۶: طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، (۱۳۷۸ هـ ق)، المبسوط فی فقه الامامیه، تهران: المكتبة المرتضوية لاحيا الاثار الجعفری.

ب: منابع فارسی

- ۱: موسوی خویی، سید ابوالقاسم، (۱۳۴۵ هـ ق)، جود التقريرات، تقریری در اصول، قم: مطبوعه العرفان.
- ۲: مکارم شیرازی (۱۳۷۱ هـ ش)، تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه
- ۳: نجفی، محمد حسن، (۱۱۹۲ هـ ق)، جواهر الکلام، تهران: دارالکتب الاسلام.
- ۴: جعفری لنگرودی، محمد جعفر، (۱۳۴۶ هـ ش)، ترمینولوژی حقوق، تهران: گنج دانش.
- ۵: جوادی املی، عبدالله، (۱۳۹۰ هـ ش)، اسلام ومحیط زیست، قم: اسرا.
- ۶: حیدری نراقی، علی محمد، (۱۳۸۵ هـ ش)، رساله حقوق امام سجاد، تهران: مهدی نراقی.
- ۷: نراقی، احمد، (۱۳۸۵ هـ ش)، رسائل ومسایل، قم: نشر کنکره بزرگداشت محققان نراقی.
- ۸: عراقی، ضیاءالدین، (۱۳۶۹ هـ ش)، تعلیقہ استدلالیہ علی العروۃ الوثقی، قم: دفتر انتشارات اسلامی.